

بیداری اسلامی و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران: فرصت‌ها، تهدیدها و راهبردها

تاریخ دریافت: ۹۴/۸/۱۱

تاریخ تأیید: ۹۵/۲/۱۶

محمد ستوده آرانی*

هادی ترکی**

بیداری اسلامی که با انقلاب در کشورهای عربی در سال ۲۰۱۱ وارد مرحله جدیدی شد، پیامدهای گسترده‌ای را به همراه داشت. امید آن می‌رفت که با موج فزاینده انقلاب‌های مردمی، نظامی جدید، منطقه‌ای و درون‌زا شکل گیرد؛ اما با ناتمام ماندن انقلاب و انحراف در بیداری اسلامی، وضعیت تضاد، دشمنی و جنگ داخلی در برخی کشورهای منطقه حاکم و سرنوشت ملل منطقه با چالش‌هایی خطرناک مواجه شد. مطالعه زمینه‌ها و عوامل مؤثر در این روند، در قالب فرصت‌ها و تهدیدهای بیداری اسلامی، می‌تواند گام مهمی در شناخت وضع موجود و ترسیم راهبردهای ممکن در سیاست خارجی ایران برای بهره‌گیری از فرصت‌ها و کنترل تهدیدات باشد. در این مقاله تلاش می‌شود با استفاده از مدل سوات (SWOT)، فرصت‌ها و تهدیدهای بیداری اسلامی مطالعه و راهبردهای ممکن ارائه شود. مهم‌ترین راهبردهای ممکن عبارت‌اند از: راهبرد پیشگامی یا توسعه، راهبرد بازدارندگی یا تمرکز، راهبرد بازنگری یا تنوع و راهبرد دفاعی یا حفظ بقا.

کلیدواژه‌گان: بیداری اسلامی، کشورهای عربی، سیاست خارجی، بازدارندگی، بازنگری.

* دانشیار علوم سیاسی دانشگاه باقرالعلوم (ع).
** دانش‌آموخته کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه باقرالعلوم (ع).

درآمد

تحولات شتابان خاورمیانه که مهم‌ترین ویژگی آن رها شدن از نظام‌های استبدادی و مداخلات خارجی است، بیانگر تلاش ملل مسلمان برای ایجاد نظم نوین سیاسی بر اساس مکتب و فرهنگ اسلامی است که هویت و جان‌مایه واقعی این ملت‌ها را شکل می‌دهد. پیدایش انقلاب در کشورهای عربی سرآغازی نوین برای تحقق بخشیدن به اهداف بیداری اسلامی است (بغدادی، ۱۳۹۰، ص ۹)؛ اما این انقلاب‌های مردمی با موانع و چالش‌های متعددی مواجه شده‌اند. شناسایی فرصت‌ها و تهدیدهای بیداری اسلامی، گام مهمی در شناخت وضع موجود و اتخاذ راهبردهای ممکن برای تأمین اهداف و منافع ایران و امت اسلامی است. به همین دلیل، سؤال اصلی مقاله این است که بیداری اسلامی چه فرصت‌ها و تهدیدهایی را به همراه داشته است و راهبردهای سیاست خارجی ایران برای بهره‌گیری از فرصت‌ها و کنترل تهدیدها کدام است؟

در پاسخ می‌توان گفت که پایایی خواسته‌ها و اهداف انقلابیون، افزایش خودآگاهی و ایفای نقش جوانان و افزایش قدرت ایران در معادلات جدید منطقه‌ای از جمله فرصت‌های ایران برای ایفای نقش مؤثر است. در مقابل، تلاش برای ایجاد نظم نوین امریکایی به جای نظم نوین اسلامی و ائتلافات جدید منطقه‌ای در برابر محور مقاومت، تهدیدهای فرارو است. باید هر یک از این موارد مطالعه و بررسی شود تا با شناخت همه‌جانبه آنها و با اتخاذ راهبردهای ممکن، امکان کنترل و کاهش تهدیدها و استفاده از فرصت‌ها فراهم شود.

چارچوب نظری

برای مطالعه فرصت‌ها و تهدیدهای انقلاب یا بیداری اسلامی در کشورهای عربی می‌توان از چارچوب نظری سوات (SWOT) استفاده کرد. ادبیات مفهومی مدل سوات، نه تنها ما را در تبیین موارد فرصت و تهدید کمک می‌کند، بلکه این امکان را فراهم می‌سازد تا از طریق شناخت زمینه‌ها و موارد قوت و ضعف خود، راهبردهای لازم را شناسایی کنیم. چارچوب سوات از چهار اصطلاح فرصت، تهدید، قوت و ضعف تشکیل شده است (جان پیرس، ۱۳۸۰، ص ۳۲۰).

فرصت به مجموعه شرایط و وضعیت‌های مثبتی گفته می‌شود که در محیط سیاست خارجی یک کشور ایجاد می‌شود و زمینه اقدامات جدیدی را برای یک کشور در محیطی



رقابتی فراهم می‌سازد. تهدید به مجموعه شرایط و وضعیت‌هایی گفته می‌شود که در محیط عملیاتی سیاست خارجی ظاهر می‌شود و بر عملکرد سیاست خارجی تأثیر منفی گذاشته، مانع از دستیابی به اهداف سیاست خارجی می‌شود. قوت به مجموعه‌ای از منابع قدرت در دسترس گفته می‌شود که برای کارآمد کردن سیاست خارجی و تأثیرگذاری بیشتر بر معادلات منطقه‌ای و بین‌المللی به کار می‌رود. ضعف به مجموعه شرایط و وضعیت‌هایی گفته می‌شود که باعث ناکارآمدی و یا عدم بهره‌گیری از فرصت‌ها در سیاست خارجی در یک محیط عملیاتی می‌گردد (همان). با توجه به مدل سوات، راهبردهای سیاست خارجی ایران را می‌توان در قالب راهبردهای چهارگانه قوت - فرصت - تهدید، ضعف - فرصت و ضعف - تهدید تحلیل کرد.

در این مقاله در ابتدا فرصت‌ها و تهدیدهای بیداری اسلامی که مربوط به محیط خارجی است را بررسی می‌کنیم. سپس به بیان نقاط قوت و ضعف سیاست خارجی ایران که معطوف به محیط داخلی است، می‌پردازیم و سرانجام با ترکیب حالت‌های ممکن، راهبردهای لازم را ارائه می‌کنیم.

۱. محیط خارجی ایران، فرصت‌ها و تهدیدهای بیداری اسلامی

موج جدید بیداری اسلامی که با قیام مردم تونس در دسامبر ۲۰۱۰ رخ داد (عابدینی، ۱۳۹۰، ص ۲۹)، به سرعت در مصر، لیبی، اردن، بحرین، سوریه، کویت، عربستان و یمن گسترش یافت. این موج آثار و پیامدهای گسترده‌ای را در سراسر منطقه بر جای گذاشت. اگر مسیر بر حسب خواست و اراده ملت‌های منطقه ادامه می‌یافت، شاهد امواج فزاینده بی‌ثباتی و حرکت‌های افراطی تروریسم در منطقه نبودیم.

انقلاب در کشورهای عربی علیه نظم موجود بود؛ نظمی که ضمن استبدادی و در تضاد با منافع ملت بودن، هویت فرهنگی مردم را تحقیر می‌کرد. رژیم حاکم بر تونس، مانند بقیه کشورهای دیکتاتوری منطقه، با اسلام مخالف بود (عارف حسینی، ۱۳۹۲، ص ۶۲)، حکومت مصر مانع استقرار مردم‌سالاری و اجرای قوانین اسلامی بود و در لیبی نیز مردم علیه دیکتاتور بودن معمر قذافی به پاخواستند و به شکل مجموعه‌ای از راهپیمایی‌های خیابانی، اعتراضات و نافرمانی‌های مدنی را از ۱۳ ژانویه ۲۰۱۱ شکل دادند (همان، ص ۱۹۸).



سایر حرکت‌های انقلابی نیز بیانگر عصیان مردم علیه نظم موجود و تلاش برای پی‌ریزی نظم نوین بود؛ اما این تلاش انقلابی با موانع و چالش‌هایی مواجه شد. در مصر، پس از یک دوره موقت، انقلابیون سرکوب و حکومت نظامیان برپا شد و عربستان با سرکوب و اقدامات اقتصادی، اعتراضات گسترده را موقتاً کنترل کرد (احمدیان و زارع، ۱۳۹۰، ص ۷۷). این کشور تلاش کرد تا با سیاست برون‌فکنی از طریق اشغال بحرین و جنگ با یمن توجه مردم کشورش را به خارج معطوف سازد و با مداخله در تحولات سیاسی سوریه در نقش یک قدرت بزرگ در معادلات منطقه‌ای ایفای نقش نماید. کنترل حرکت انقلابی در کشورهای لیبی، تونس و کویت نیز مانع از دستیابی به اهداف بزرگ انقلاب شد. به طور کلی، مجموعه‌ای از عوامل داخلی، منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، مانند گسترش سلفی‌گری و دخالت عربستان، اسرائیل و ترکیه به همراه قدرت‌های فرامنطقه‌ای مانند آمریکا در روند بیداری اسلامی، باعث انحراف انقلاب از مسیر اصلی خود شد و بیداری اسلامی در معرض تهدیدها و موانع فزاینده‌ای قرار گرفت.

اکنون لازم است تهدیدها و فرصت‌های موجود شناسایی شود تا با شناخت آنها امکان مهار تهدیدها و استفاده از فرصت‌ها جهت شکل‌دهی به نظم نوین منطقه فراهم گردد. بدین منظور در ابتدا فرصت‌ها و تهدیدهای بیداری اسلامی را بررسی می‌کنیم.

۱-۱. فرصت‌ها

۱-۱-۱. پایایی خواسته‌ها و اهداف نیروهای اسلامی و مردمی

مردم مسلمان کشورهای عربی درخواست‌ها و اهدافی داشتند که مهم‌ترین آنها اسقاط نظام استبدادی و ایجاد حکومت جدید با ساختارها و نظمی جدید بود. در این تحولات شتابان تغییراتی در ساختار حکومتی به وجود آمد و در کشورهایی مانند مصر، تونس و لیبی دولت‌های استبدادی و پادشاهی ساقط شد و مشروعیت کشورهایی مانند عربستان کاهش یافت. این وضعیت افق تازه‌ای را برای ساماندهی به نظم سیاسی این کشورها فراهم کرد (همان، ص ۷۶).

انقلابیون در پی ایجاد نظم جدید و حفظ فرهنگ و هویت اسلامی در ساختار جدید سیاسی بودند؛ اما با موانع و چالش‌های گسترده‌ای مواجه شدند؛ برای مثال، در مصر انقلاب ناتمام ماند و ارتش مجدداً به قدرت بازگشت و ژنرال السیسی به‌جای مرسی حکومت را به دست گرفت و عربستان با سیاست سرکوب، از فروپاشی حکومت جلوگیری

کرد. البته سرکوب و خفقان پس از انقلاب‌های عربی به مفهوم نابودی نیروها، احزاب و جریان‌های انقلابی و مردمی نیست و مانند هر انقلاب و حرکت مردمی دیگری، تلاش برای دستیابی به اهداف انقلابی و گسترش عدالت‌خواهی و رفع تبعیض به شیوه‌های متفاوت ادامه دارد. این وضعیت با توجه به تجربه دوران انقلاب، فرصت جدیدی را برای غلبه بر موانع پیش‌رو در حمایت و دفاع از ملل منطقه فراهم می‌سازد.

۱-۲. افزایش خودآگاهی و ایفای نقش جوانان

انقلاب‌های عربی که به انقلاب‌های الشباب معروف شد، بیانگر خودباوری، احساس مسئولیت و اعتماد به نفس نیروهای جوان فداکاری است که هزینه‌های انقلاب را با آگاهی می‌پذیرند. جوانان سرمایه بزرگ انسانی و اجتماعی هستند و می‌توانند باعث تغییرات بنیادین در کشورشان شوند. جوانان در کشورهای مصر، تونس، لیبی و یمن، قدرت فزاینده‌ای را به وجود آوردند و نظام استبدادی را ساقط کردند. این نیرو می‌تواند با افزایش بصیرت و آگاهی اهداف خود را محقق سازد. ایران اسلامی نیز می‌تواند با استفاده از راهبردهای ممکن در فضای رسانه‌ای و شبکه‌های مجازی و اجتماعی، این جوانان را تقویت کند و با کمک آنها و سایر طبقات اجتماعی، چالش‌های فراروی بیداری اسلامی را کاهش دهد.

۱-۳. اقبال به اسلام و انقلاب اسلامی

از منظر جنبش‌ها و حرکت‌های اسلامی، مهم‌ترین عامل عقب‌ماندگی مسلمانان دور شدن از اسلام است (شیرودی، ۱۳۸۱، ص ۷۳). حرکت‌های انقلابی کشورهای منطقه حکایت از بیداری ملت‌های مسلمان و توجه فزاینده آنان به اسلام به‌عنوان تنها راه‌حل ممکن است که می‌تواند زمینه‌ساز و شکل‌دهنده مسیرهای متعالی‌تری قرار گیرد. به عبارت دیگر، بیداری اسلامی، برخلاف تنوع گرایش‌ها و زیرمجموعه‌های متفاوتش، پیام واحدی دارد که بیانگر برگشت به دین اسلام و احیای هویت اسلامی جوامع مسلمان منطقه است. آنچه باعث این بیداری شد، سرکوب ملت‌های منطقه توسط حاکمان دست‌نشانده و مستبد بود. این شرایط فرصت لازم را برای احیای اسلام اصیل و الگوگیری از آموزه‌های انقلاب اسلامی فراهم می‌سازد و ایران می‌تواند علی‌رغم چالش‌های موجود، از این ظرفیت برای کمک به اهداف ملل ستمدیده در منطقه استفاده کند.



۱-۴. افزایش قدرت ایران در معادلات جدید منطقه‌ای

در شرایط جدید که نظم نوین منطقه‌ای در حال شکل‌گیری است و بازیگر جدیدی مانند حزب الله، ظاهر شده، کشورهای عربستان و اسرائیل از تقویت محور مقاومت در هراس‌اند. عربستان نگران قدرت یافتن شیعه در منطقه و اسرائیل از پیشرفت حزب‌الله و همچنین گردان‌های مقاومت لبنان که بازوی نظامی جنبش علیه اشغالگری اسرائیل است، نگران هستند (میرعلی، ۱۳۹۱، ص ۲۵۹-۲۸۱). حمایت ایران از حزب الله نیز حساسیت‌های رژیم صهیونیستی و عربستان را افزایش داده است (آقایی و احمدیان، ۱۳۸۹، ص ۸).

صدور انقلاب اسلامی در میان بیش از یک میلیون مسلمان شیعه که یک سوم جمعیت لبنان را تشکیل می‌دهند، آرایش نیروها را در لبنان از سال ۱۹۸۲ به بعد تغییر داده است (ای لانگ، ۱۳۸۸، ص ۱۲۹). در واقع قدرت‌یابی حزب الله را می‌توان در حمله ۱۹۸۲ اسرائیل به لبنان دید و نفوذ ایران در حزب الله را می‌توان از اعتقاد کمیته شورای حزب الله به ولایت فقیه و پیروی از امام دانست (عبدالستار، ۱۳۸۸، ص ۱۳۱-۱۳۲).

در شرایط موجود، عربستان به دنبال تبدیل شدن به قدرت منطقه‌ای است و در رقابت با ایران ظاهر می‌شود (قنبرلو، ۱۳۸۸، ص ۵۴). این موارد نشان از ورود منطقه به یک صف‌آرای جدید است که بازیگران اصلی آن ایران، عربستان و ترکیه هستند. سرنوشت آینده سوریه، به‌ویژه پس از توافق درباره جایگاه و نقش روسیه و ایران در معادلات قدرت در سوریه و ساختار آینده خاورمیانه، روند حرکت‌های اصلاحی و انقلابی ملل منطقه را تا حد زیادی مشخص خواهد کرد.

۱-۵. دوران پسابرجام و قدرت منطقه‌ای ایران

دوران پسابرجام می‌تواند باعث افزایش قدرت منطقه‌ای ایران شود. در حین مذاکرات برجام، اسرائیل و عربستان پیوسته از غیرامنیتی شدن ایران وحشت داشتند؛ زیرا حفظ برجام و بهبود روابط دو سویه ایران با غرب، گام مهمی در مسیر رشد و پیشرفت ایران محسوب می‌شود. ایران با داشتن نفت، گاز، وسعت سرزمین و دانش جدید، زمینه پیشرفت اقتصادی بالایی دارد. ایران در بین کشورهای دارای ذخایر معدنی در ردیف دوازدهم قرار دارد؛ همچنین بزرگ‌ترین دارنده ذخایر گاز طبیعی در بین کشورهای عضو اوپک است و

با ۱۳۲ میلیارد بشکه ذخایر نفتی قابل برداشت، دومین ذخایر نفت جهان را در اختیار دارد. از سوی دیگر افزایش روابط دیپلماتیک می‌تواند قدرت ایران را در مذاکرات جهانی و منطقه‌ای، به ویژه درباره مسئله سوریه و یمن و ایجاد نظم جدید منطقه‌ای افزایش دهد. آنچه مسلم است افزایش قدرت سیاسی، اقتصادی و نظامی ایران نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌گیری نظم منطقه‌ای آینده دارد و به نوبه خود می‌تواند روندهای فراروی بیداری اسلامی را با فرصت‌ها و قابلیت‌های بیشتری همراه سازد.

۱-۲. تهدیدها

۱-۲-۱. ایجاد نظم نوین امریکایی بجای نظم نوین اسلامی

امریکا و غرب به‌منظور جلوگیری از تحقق مهم‌ترین اهداف منطقه‌ای بیداری اسلامی یعنی نظم منطقه‌ای اسلامی تلاش فزاینده‌ای را در ایجاد ترس از اسلام و ایران به‌عمل آوردند. جرج بوش پسر پس از حادثه مشکوک یازده سپتامبر رسماً از جنگ صلیبی علیه مسلمانان سخن گفت، در این راستا «اسلام هراسی» بیش از هر زمان دیگری مورد نیاز نومحافظه کاران جنگ طلب کاخ سفید بود. اسلام هراسی و شیعه هراسی را می‌توان به عنوان ترس یا تنفر از اسلام، مسلمانان و فرهنگ اسلامی به ویژه زمانی که ترس از آن به عنوان نیروی سیاسی مطرح باشد، دانست (ذائف‌قاری، ۱۳۹۳، ص ۱۶۷). «ایران هراسی» و «شیعه هراسی» نیز بخشی از همین پروژه بود. یکی از اهداف دیگر این امر تلاش برای جایگزین کردن یک دشمن خیالی برای غرب سرمایه‌داری بعد از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی بود. هدف دولت امریکا این بود تا از طریق اسلام هراسی مانع از شکل‌گیری نظم نوین منطقه‌ای در چارچوب اسلام گردد؛ روندی که با پیروزی انقلاب اسلامی ایران تسریع شد (نقیب زاده، ۱۳۷۹، ص ۱۶۸). پس از موج جدید بیداری اسلامی و برای ایجاد انحراف در مسیر حرکت‌های انقلابی، ایران هراسی و شیعه هراسی بیش از گذشته در دستور کار مخالفان نظم نوین اسلامی و درون‌زا قرار گرفت و با پیدایش سلفی‌گری افراطی ترس از اسلام وارد مرحله نوینی شد و منطقه درگیر آشوب و جنگ‌های داخلی گردید. هدف امریکا این است تا متعاقب بحران و جنگ، سرانجام نظم و ساختار مورد نظر خود را بر منطقه حاکم سازد.

۱-۲-۲. ظهور سلفی‌گری تکفیری و بی‌ثباتی در منطقه

اسلام هراسی در چارچوب هدف غرب برای تسلط بر جهان اسلام و جلوگیری از موج



فزاینده بیداری اسلامی پس از یازده سپتامبر تشدید شد و سرانجام با ظهور سلفی‌گری تکفیری تکمیل گردید (ساوه درودی، ۱۳۹۳، ص ۹۹). رسانه‌های غربی نیز با شیوه‌های متنوع به گسترش آن کمک نمودند و زمینه‌های رعب و وحشت و بی‌ثباتی در منطقه را به وجود آوردند. با پیدایش داعش و سایر گروه‌های تند سلفی و طرح ایجاد حکومت اسلامی در عراق و سوریه، موج ناامنی و ترور فراگیرتر شد و زمینه مداخله قدرت‌های فرامنطقه‌ای برای مقابله با موج تروریسم افزایش یافت؛ اما با گذشت زمان نه تنها تروریسم مهار نشد، بلکه ائتلافات ایجاد شده برای مقابله با آن به دلیل اهداف متناقض دولت‌های عضو ائتلاف، باعث افزایش قدرت سلفی‌های تکفیری و بی‌ثباتی بیشتر در منطقه گردید.

۳-۲-۱. ائتلافات نوین منطقه‌ای در برابر محور مقاومت

ایران همواره با مداخله قدرت‌های خارجی در منطقه مخالف است، اما کشورهای عربستان، ترکیه و قطر که پیوند استراتژیک با آمریکا دارند در پی گسترش قدرت و نفوذ آمریکا و غرب در منطقه هستند. این مسئله به همراه قرائت خاص ایران از پیدایش انقلاب‌های عربی، باعث تشدید تعارض و تیرگی روابط ایران با این کشورها شده است، به‌گونه‌ای که در بحران سوریه، یمن و بحرین، دو طرف در تقابل با یکدیگر قرار گرفتند.

۴-۲-۱. تبدیل الگوی همکاری به رقابت، تضاد تا جنگ داخلی در سوریه و یمن

از مهم‌ترین تهدیدهای بیداری اسلامی، مربوط به بحران سوریه و یمن است. این بحران‌ها سرفصل مهمی برای تحولات خاورمیانه محسوب می‌شود. رسانه‌های جهانی افکار عمومی منطقه را به این بحران‌ها معطوف ساخته و شور و حرارت بیداری اسلامی را با یأس و ناامیدی مواجه ساخته‌اند. این بحران‌ها باعث شده تا توان و قدرت نیروهای مؤثر انقلابی در منطقه درگیر تعارضات داخلی و جنگ‌های فرقه‌ای و مذهبی شود. سوریه درگیر آشوب‌های داخلی گردید و پس از انقلاب یمن در سال ۲۰۱۲، قدرت حکومت مرکزی از دست رفت و بیشتر نقاط کشور دستخوش بحران شد (شیخ حسینی، ۱۳۹۳، ص ۲۰). حوثی‌ها که شیعه زیدی‌اند، از قوی‌ترین گروه‌ها در یمن هستند؛ اما با دخالت نیروهای نظامی عربستان و گسترش تروریسم نتوانستند ثبات و امنیت را بر کشور حاکم سازند. در حال حاضر یمن با بحران‌های زیادی مواجه است که از جمله آن عدم اتحاد گروه‌های تأثیرگذار در این کشور، وجود گروه‌های تروریستی تکفیری، کمک‌های نظامی و مالی برخی کشورهای غربی و عربی منطقه به این گروه‌ها است. حمله نظامی عربستان به یمن

باعث وخیم‌تر شدن شرایط بحرانی این کشور گردید.

۵-۲-۱. پیچیدگی بحران و افزایش عنصر غافلگیری در معادلات منطقه‌ای

با خروج نیروی نظامی روسیه از سوریه در فرایند مذاکرات سوریه در ژنو، بار دیگر اهمیت روابط دوجانبه سیاسی میان قدرت‌های بزرگ جهانی در شکل‌دهی به ساختار قدرت منطقه‌ای نمایان شد. روسیه در پی تأمین منافع بلندمدت خود در منطقه خاورمیانه است و حاضر نیست سلطه همه جانبه آمریکا را بر این منطقه بپذیرد. در عین حال مذاکرات آمریکا - روسیه در ترسیم نقشه سیاسی منطقه، به‌ویژه در سوریه، عراق و یمن، می‌تواند غافلگیری سیاسی‌ای را در معادلات قدرت منطقه‌ای به همراه داشته باشد. این وضعیت غافلگیری که غالباً پیچیدگی بحران را افزایش می‌دهد، می‌تواند تهدیدی برای بیداری اسلامی و سیاست خارجی ایران محسوب شود. اگر منطقه خاورمیانه در آینده نیز همچنان تحت نفوذ و قدرت چندین قدرت بزرگ فرامنطقه‌ای باشد، شرایط برای تعریف نظم منطقه‌ای درون‌زا با تهدیدهای مضاعف مواجه است.

۲. بررسی محیط داخلی ایران: قوت‌ها و ضعف‌های سیاست خارجی

۲-۱. نقاط قوت

۲-۱-۱. رهبری

از مؤلفه‌های مهم و نقاط قوت هر کشور برای پیشبرد اهداف سیاست خارجی، وجود رهبری مقتدر است. مهم‌ترین عامل پیروزی انقلاب اسلامی ایران، رهبری عالمانه امام خمینی (ره) بود. ایشان پایه‌گذار نهضتی بود که راه جدیدی را برای ملت‌های مسلمان گشود. استمرار خط امام را باید در رهبری مقتدرانه مقام معظم رهبری دید. ایشان در دوران پس از امام (ره) از طریق الگوی مردم‌سالاری دینی و تقویت پایه‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی کشور توانسته است سطح قدرت و توانمندی کشور را افزایش دهد و کشور را در تحولات پیش رو با موفقیت هدایت نمایند (ر.ک: مردم‌سالاری دینی، گفتمان رهبر انقلاب اسلامی، ۱۳۸۸).

۲-۱-۲. تمدن ایرانی - اسلامی

ایران از قبل از اسلام، دارای شکوه و تمدن بوده است. با ورود اسلام به ایران و پذیرش دین اسلام توسط ایرانیان، فرهنگ و تمدن ایران با آموزه‌های اسلامی عجین و روحیه شهادت‌طلبی، حق‌مداری، ظلم‌ستیزی و بیگانه‌ستیزی در برابر ظالمان از مؤلفه‌های



اصلی فرهنگ ایرانی شد (یوسفی، ۱۳۸۱، ص ۲۶۷).

از طرفی دیگر تمدن یکی از مؤلفه‌های مهم قدرت است که تأثیر به‌سزایی در سیاست خارجی کشورها دارد. در تعریف تمدن، معانی مختلفی بیان شده است؛ برخی تمدن را به معنای عقلانیت می‌دانند و برخی آن را مترادف با کنترل نفس و سرکوب غرایز دانسته‌اند؛ در مقابل، برخی سلطه بر طبیعت و روابط و مناسبات انسانی و به عبارتی رشد اقتصادی و اجتماعی را به تمدن نسبت داده‌اند (باذری، ۱۳۹۰، ص ۲۰). تعاریفی که بیان شد، نشان‌دهنده نیروی قوت‌بخش و حافظه تاریخی بودن تمدن برای پیشبرد اهداف و همچنین سلطه بر طبیعت و رشد اجتماعی و اقتصادی است که بیشتر می‌تواند بُعد ایدئولوژیکی داشته باشد. با انقلاب اسلامی ظرفیت‌های قدرت تمدنی ایران بار دیگر احیا شد و با پیشرفت‌های گسترده ایران در علم و فناوری‌های نوین، قدرت ایران افزایش یافت.

۲-۱-۳. موقعیت ژئوپلیتیکی ایران

نکته‌ای که نباید از آن غافل ماند، درک شرایط جغرافیایی ایران و چگونگی تأثیرگذاری ایران بر ساختار نظم منطقه‌ای و جهانی است. حدود نیمی از مواد نفتی و سوخت جهان از خلیج فارس عبور می‌کند که اشراف ایران بر تنگه استراتژیک هرمز، موقعیت جغرافیایی ایران را ممتاز کرده است. از سوی دیگر، ارتباط آسیای میانه به اروپا از طریق ایران، موقعیت ایران را ویژه کرده است (طاهری، ۱۳۸۷، ص ۷۳). این موقعیت فرصت مناسبی را در معادلات منطقه‌ای در اختیار ایران برای ایفای نقش در مذاکرات صلح قرار داده است، به‌گونه‌ای که ایجاد و تثبیت صلح و نظم منطقه‌ای بدون ایران غیرممکن است.

۲-۱-۴. انقلاب اسلامی

انقلاب اسلامی ایران را می‌توان عصاره و مخرج مشترک همه نهضت‌های اسلامی و مردمی در جهان اسلام دانست. نظام جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ در سطح منطقه‌ای و جهانی به عنوان نظامی ضدامپریالیستی و حامی جنبش‌های مردمی و انقلابی در سراسر جهان به پیروزی رسید و حکومت اسلامی ایران به اولین تجسم عملی از ایده اسلام سیاسی در دوران معاصر تبدیل شد. هراس بنیادین غرب از ایده‌های برآمده از انقلاب ایران نشان‌دهنده قدرت فزاینده انقلاب اسلامی ایران است. پیام انقلاب اسلامی

ایران برای کسب هویت در جهان اسلام گسترش یافته است؛ پیامی که امکان جلوگیری آن با ایجاد ارباب و ترور وجود ندارد. تقویت بنیادگرایی و ایجاد حکومت طالبان در افغانستان و گسترش عملیات‌های تروریستی بنیادگرایان در گوشه و کنار جهان، در واقع واکنش سیاست‌های توسعه‌طلبانه امریکا و اسرائیل به قدرت اسلام و انقلاب اسلامی است (فیروزآبادی و فرازی، ۱۳۹۱، ص ۱۳۴). این سیاست، گرچه چالش‌هایی را فراروی اسلام قرار داده است، اما نتوانسته است مانع اقبال به اسلام، حتی در کشورهای غربی شود.

۲-۱-۵. حمایت مردم از نظام و حکومت اسلامی

پشتوانه مردمی همیشه یکی از عوامل قدرت حکومت‌ها است. در کشورهایی که فاقد پشتوانه مردمی هستند، حاکمان مشروعیت لازم و در نتیجه قدرت لازم برای دستیابی به اهداف و منافع ملی کشور را ندارند. جمهوری اسلامی ایران که برآمده از اراده و خواست ملت انقلابی است، توان و قدرت بالایی دارد و می‌تواند با حمایت ملت، اهداف خود که همان اهداف اسلام و انقلاب است را محقق کند.

۲-۱-۶. رشد علمی ایران

ایران اسلامی در عرصه‌های مختلف علمی، از جمله فناوری‌های نانو، پزشکی و هسته‌ای، با وجود تحریم‌ها و اهرم‌های فشار بین‌المللی، به موفقیت‌های بزرگی رسیده است و جایگاه ویژه‌ای در علم بیوتکنولوژی در منطقه دارد. ایران یکی از ۳۶ کشور مرجع بیوتکنولوژی در جهان است (باقری، ۱۳۸۶، ص ۷۲-۸۴). این امر با توجه به نیازهای علمی کشورهای منطقه به فناوری‌های جدید، بسیار حائز اهمیت است؛ چراکه ایران می‌تواند از قابلیت‌های علمی خود به عنوان یک فرصت در روابط خارجی خود با کشورهای منطقه برای دستیابی به منافع دو جانبه و چندجانبه بهره گیرد.

۲-۱-۷. توسعه و خوداتکایی در زمینه نظامی

از مهم‌ترین مؤلفه‌های سنجش قدرت هر کشور، خوداتکایی نظامی است؛ بدین معنی که یک کشور بتواند با استفاده از فناوری‌های نوین نظامی، توان تسلیحاتی خود را در برابر دشمنان افزایش دهد و سطح بالایی از بازدارندگی مؤثر را به دست آورد. ایران اسلامی، علی‌رغم تحریم‌های گسترده غرب، توانسته است نه تنها امنیت ملی کشور را تأمین نماید، بلکه از طریق بومی‌سازی فناوری‌های نوین نظامی در زمین، هوا و فضا، به قابلیت‌ها و قدرت بالای نظامی و دفاعی دست یابد (حسینی، ۱۳۸۳، ص ۲۵). قابلیت‌های دفاعی و



نظامی، نه تنها دیپلماسی دفاعی ایران را تقویت می‌کند، بلکه قدرت بازدارندگی کشور را نیز افزایش می‌دهد.

۲-۲. نقاط ضعف

۲-۲-۱. اقتصاد تک‌محصولی

منابع نفت و گاز کشور می‌تواند هم منبع قدرت و هم منبع ضعف برای اقتصاد داخلی باشد. ضعف زمانی روی می‌دهد که ساختار اقتصاد ایران بر پایه درآمدهای نفتی شکل گیرد. ایران با داشتن ذخایر عظیم نفت و گاز از مهم‌ترین کشورهای تأمین‌کننده انرژی جهان است و اهمیت ویژه‌ای در حفظ امنیت انرژی جهان دارد. مشتریان نفت خام ایران را بیشتر کشورهای آسیایی و اروپایی تشکیل می‌دهند. همچنین کشورهایمانند عراق، ترکمنستان، پاکستان، افغانستان، ارمنستان، ترکیه و آذربایجان از مشتریان فرآورده‌های نفتی ایران هستند (مسعودی، بی‌تا، ص ۵). ایران باید تلاش کند تا از میراث رژیم گذشته، یعنی اقتصاد مبتنی بر درآمدهای نفتی، فاصله بگیرد و بر میزان تبدیل مواد خام به فرآورده‌های مصرفی بیفزاید و اقتصاد کشور را از وابستگی به درآمدهای نفتی رهایی بخشد.

۲-۲-۲. کمبود سرمایه و ضعف سرمایه‌گذاری

جذب سرمایه و اجرای طرح‌های کلان از مؤلفه‌های توسعه اقتصادی است. بررسی وضعیت گذشته اقتصادی ایران نشان می‌دهد که کمبود سرمایه در ایران برای عملیاتی کردن طرح‌های توسعه، همواره از موانع رشد و پیشرفت کشور بوده است. شاید بتوان گفت که مهم‌ترین سرمایه یک کشور مربوط به سرمایه انسانی است که شامل افراد متخصص در زمینه‌های مختلف اقتصادی یا علمی کشور می‌شود. ایران باید در برای جذب سرمایه مالی، حفظ و تربیت منابع انسانی متخصص و کارآمد تلاش کند (زاهدی، ۱۳۹۳، ص ۱-۱۸) دوران پساجام فرصت مناسبی برای جذب سرمایه، فناوری و حرکت به سمت پیشرفت در چارچوب اقتصاد مقاومتی است.

۲-۲-۳. دیپلماسی واکنشی

عرصه بین‌المللی صحنه‌ای رقابتی است که در آن کشورها دوستان و دشمنانی دارد؛ ایران نیز از این امر مستثنا نیست. مخالفان ایران با سیاست‌ها و تاکتیک‌های متعدد می‌کوشد تا افکار عمومی، ذائقه‌ها و دیدگاه‌ها را نسبت به انقلاب اسلامی و نظام سیاسی

ایران تغییر دهند. این هدف تهدیدی اساسی علیه ایران است که برای مقابله با آن در عرصه سیاست منطقه‌ای و جهانی نیازمند دیپلماسی فعال و کارآمد هستیم. دیپلمات‌ها می‌توانند با رصد همه‌جانبه تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی و با اتخاذ دیدگاه‌ها و مواضع مناسب، منافع کشور را تأمین کنند؛ در غیر این صورت، دیپلماسی کشور ضعیف شده، رفتارهای آن تا حد زیادی واکنش به رخداد‌های دیگر خواهد شد.

۲-۲-۴. ضعف رسانه‌ای

رقابت قدرت‌های بزرگ در فضای رسانه‌ای و دیجیتالی برای تسخیر فضای ذهنی و افکار عمومی ملت‌های منطقه و جهان اسلام پیوسته افزایش می‌یابد. امریکا و قدرت‌های غربی از این طریق، نه تنها روندهای سیاسی و فرهنگی ملل مسلمان را تغییر می‌دهند، بلکه به سهولت ذائقه‌های دلخواه خود را جایگزین آن می‌سازند. سهم ایران از این فضای مجازی و شبکه‌ای کم است و باید راهبردهای مؤثر و کارآمد برای جبران این کاستی اتخاذ شود.

۳. راهبردهای سیاست خارجی ایران

۳-۱. راهبرد توسعه یا پیشگامی

در این راهبرد ایران با توجه به قوت‌ها و توانمندی‌های داخلی و همچنین فرصت‌های به دست آمده در عرصه منطقه‌ای باید در پی توسعه و نفوذ باشد. این استراتژی در واقع پیشگامی در تحولات منطقه‌ای است. در این استراتژی باید به بهترین نحو از فرصت‌های به دست آمده برای پیشبرد و توسعه منافع امت اسلامی استفاده کرد. برای ترسیم راهبرد توسعه و پیشگامی ابتدا نقاط قوت و فرصت در جدول زیر ترسیم می‌شود:

جدول قوت‌ها - فرصت‌ها (S-O)

فرصت‌ها		قوت‌ها	
پایایی خواسته‌ها و اهداف نیروهای اسلامی و مردمی	1	رهبری	s1
افزایش خودآگاهی و ایفای نقش جوانان	2	تمدن ایرانی - اسلامی	s2
افزایش قدرت ایران در معادلات جدید منطقه‌ای	3	موقعیت ژئوپلیتیکی ایران	s3



انقلاب اسلامی	4 ^o	اقبال به اسلام و انقلاب اسلامی	s4
حمایت مردم از نظام و حکومت اسلامی	5 ^o	دوران پسا برجام و قدرت منطقه‌ای ایران	s5
رشد علمی ایران	6 ^o	افزایش قدرت ایران در معادلات جهانی	s6
توسعه و خوداتکایی در زمینه نظامی	7 ^o	افزایش قدرت ایران در معادلات جهانی	s7

با توجه به فرصت‌ها و قوت‌های بیان شده در جدول، می‌توان راهبرد توسعه و پیشگامی را به صورت زیر تشریح کرد:

۳-۱-۱. تقویت سیاست صدور انقلاب اسلامی

سیاست صدور انقلاب اسلامی، با توجه به شرایط جدید بیداری اسلامی، باید متناسب با این پدیده هدف‌گذاری و تقویت شود. ملت‌های منطقه علیه ظلم و ستم حاکمان و همچنین استکبار و مداخله قدرت‌های بزرگ بپا خواسته‌اند و پیام انقلاب اسلامی ایران برای پیمودن حرکت‌های انقلابی شنیده‌اند. این امر فرصتی را برای صدور انقلاب اسلامی به دیگر کشورها در فضای بیداری اسلامی فراهم ساخته است. جمهوری اسلامی به دلیل برخورداری از نظام سیاسی اسلامی و پایبندی مردم و مسئولین آن به مواضع انقلابی، می‌تواند در بسط و گسترش اهداف انقلاب و اسلام بکوشد و با توجه به قدرت خود و فرصت‌های پیش رو، روند بیداری اسلامی را در جهت منافع ملت‌های اسلامی منطقه هدایت نماید (اردکانی، ۱۳۸۶، ص ۱۰۰).

۳-۱-۲. تقویت قدرت منطقه‌ای ایران

ایران اسلامی می‌تواند با توجه به سقوط دولت‌های استبدادی منطقه، روی کار آمدن دولت‌های جدید، داشتن منابع اقتصادی، سابقه تمدنی و آموزه‌های فراگیر انقلاب اسلامی، بر میزان قدرت و اقتدار منطقه‌ای خود بیفزاید و از آسیب‌ها و چالش‌های فراروی بیداری

اسلامی بکاهد.

۳-۱-۳. تقویت دیپلماسی عمومی

موقعیت استراتژیک ایران و توسعه و خوداتکایی ایران در زمینه نظامی از یک سو و بیداری اسلامی و نقش ایران در ایجاد توازن جدید قدرت از سوی دیگر، فضای مناسبی را برای ایران ایجاد کرده است. ایران باید از این فرصت استفاده کند و با بهره‌گیری از ابزارهای نوین ارتباطاتی، اطلاعاتی و رسانه‌ای، افکار عمومی ملت‌های منطقه را از آفت‌ها و آسیب‌های فراروی بیداری اسلامی بزدايد و آنان را در مقابل کشورهای غربی که سعی در جهت‌دهی انقلاب‌های منطقه دارند، تقویت کند. همچنین با توجه به ساختار فرهنگی و اجتماعی ملت‌های منطقه که بیشتر اسلامی است و بیشتر جمعیت آنها را مسلمانان تشکیل می‌دهند، ایران می‌تواند به عنوان قطب فرهنگی عمل کند و مانع از سمت‌گیری این کشورها به سمت الگوی غربی شود.

۳-۱-۴. همگرایی اقتصادی، سیاسی - امنیتی

همگرایی اقتصادی منطقه‌ای، در قالب سازمان‌های منطقه‌ای، برای رفع موانع تعرفه‌ای و غیرتعرفه‌ای است (لطفی‌پور، ۱۳۹۰، ص ۷۵). همچنین با پیشرفت همگرایی اقتصادی در منطقه، می‌توان همگرایی در زمینه‌های سیاسی و نظامی را تقویت کرد که از نظر تأثیرگذاری بر معادلات منطقه‌ای بسیار مهم است. ایران با توجه به منابع خود و توجه به فرصت‌های محیطی، مانند بیداری اسلامی، می‌تواند گام‌های مؤثری در همگرایی منطقه‌ای در ابعاد اقتصادی، سیاسی و امنیتی بردارد و جبهه مقاومت را در برابر تهدیدهای موجود مقاوم‌تر کند.

۳-۲. راهبرد بازدارندگی یا تمرکز

راهبرد بازدارندگی بر اساس شناخت نقاط قوت - تهدید تدوین می‌شود. در این حالت تلاش می‌شود تا از طریق قوت‌ها، تهدیدها کنترل و یا کاهش یابد.

۳-۲-۱. بازدارندگی نظامی

یکی از ابعاد مهم بازدارندگی، تقویت قدرت نظامی است، به گونه‌ای که در آن، طرف مقابل از هرگونه حمله نظامی به کشور بازداشته می‌شود. به عبارت دیگر، بازدارندگی نوع ویژه‌ای از روابط اجتماعی یا سیاسی است که در آن یک طرف سعی در نفوذ بر رفتار طرف دیگر دارد و او را تهدید می‌کند که اگر عمل و رفتار مورد نظر را انجام ندهد،



مجازات یا دست کم محروم می‌شود (از غندی و روشندل، ۱۳۷۴، ص ۲۰۴).

ایران با پیشرفت در ابعاد مختلف نظامی، توانسته سطح قدرت دفاعی کشور را افزایش دهد و قدرت بازدارندگی بالایی را برای کشور به وجود آورد. این وضعیت فرصت مناسبی را برای ایران، برای تأثیرگذاری بر توازن قدرت منطقه‌ای از طریق دیپلماسی دفاعی فراهم ساخته است و می‌تواند تهدیدهای دشمن را مهار نموده، یا کاهش دهد.

۲-۲-۳. تقویت مبانی فرهنگی - عقیدتی

تهدیدهای فراروی کشورهای اسلامی در ابعاد فرهنگی و عقیدتی از طریق شبکه‌های مجازی، رو به افزایش است و ایران اسلامی می‌تواند با استفاده از قوت‌های خود مانند سابقه تمدنی، آموزه‌های انقلاب اسلامی و رشد علمی، این تهدیدها که عمدتاً در ابعاد سلفی‌گری و انحراف در دین و گسترش فرهنگ غربی نمود دارد، را مهار کند. برای چنین کاری باید در ابعاد فرهنگی، اجتماعی، دینی و عقیدتی سیاستگذاری و راه‌های تقویت آنها تبیین شود.

۳-۲-۳. تقویت نقاط مشترک کشورهای اسلامی

کشورهای اسلامی زمینه‌ها و عوامل سیاسی و فرهنگی گسترده‌ای برای همکاری و همگرایی دارند. پیروزی انقلاب اسلامی رویکرد و مسیر نوینی را پیش‌روی ملت‌های مسلمان برای همگرایی و رها شدن از وضع موجود قرار داده است. در موج جدید بیداری اسلامی باید این نقاط مشترک، بیش از گذشته، شناسایی شود؛ زیرا هر قدر نقاط مشترک فکری و عقیدتی میان کشورهای اسلامی در حمایت از آموزه‌های اسلام اصیل تقویت شود، آنان را در برابر تهدیدهای ایدئولوژیک غرب و نظام سلطه بیشتر و بهتر حمایت می‌کند.

۴-۲-۳. تقویت روحیه صهیونیسم‌ستیزی در منطقه

یکی از مهم‌ترین تهدیدهای سیاسی و امنیتی کشورهای منطقه سیاست‌های خصمانه رژیم صهیونیستی است. این رژیم تاکنون جنگ‌های متعددی را بر منطقه تحمیل کرده است که از جمله می‌توان به جنگ‌های ۱۹۴۸، ۱۹۵۶، ۱۹۶۷ و ۱۹۷۳ اشاره کرد. (کریمی پور، ۱۳۹۰، ص ۲۷-۳۵). مهم‌ترین بحران منطقه که از گذشته تاکنون باقی مانده، بحران فلسطین است که متعاقب اشغال این کشور توسط رژیم صهیونیستی شکل گرفته، سیاست این رژیم و غرب این است که مشروعیت دولت صهیونیستی تأمین شود و روحیه

مقاومت و مبارزه ملت فلسطین و کشورهای اسلامی از میان برود. بیداری اسلامی که می‌رفت بقای رژیم اسرائیل را نشانه رود، با برنامه‌های دولت‌های وابسته و امریکا، با چالش مواجه شد.

در چنین فضایی ایران اسلامی می‌تواند از طریق شناسایی فرصت‌ها و قوت‌ها روحیه صهیونیسم‌ستیزی را همچنان در منطقه زنده نگه دارد و مانع از حاشیه‌ای شدن خطر صهیونیسم شود.

۲-۳. تقویت محور مقاومت در منطقه

از آنجا که نظم نوین منطقه‌ای در حال شکل‌گیری است، می‌توان از دو جبهه یاد کرد؛ جبهه مقاومت و جبهه ضد آن. جبهه ضد مقاومت می‌کوشد بیداری اسلامی و انقلاب اسلامی ملت‌های منطقه را ناکام سازد. ایران اسلامی می‌تواند از طریق قوت‌های بیان شده، برای تقویت جبهه مقاومت از ابزارهای مختلف سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی بهره‌گیرد و تهدیدهای جبهه مخالف مقاومت را کاهش دهد.

۳-۳. راهبرد بازنگری یا تنوع

در این راهبرد در ابتدا باید نقاط ضعف در محیط داخلی و فرصت‌ها در محیط خارجی شناسایی شود. سپس با استفاده از فرصت‌های به دست آمده در محیط خارجی و رفع ضعف‌های درونی، سیاست و راهبردها باید ترمیم شود.

۳-۳-۱. متنوع کردن حمایت از بیداری اسلامی

پس از انقلاب اسلامی ایران، جنبش‌های اسلامی در کشورهای خاورمیانه نظیر عربستان، کویت، عراق، بحرین و شمال آفریقا مانند مصر، تونس و الجزایر، تحت تأثیر آموزه‌های انقلاب اسلامی قرار گرفت؛ اما به دلیل ساختارهای استبدادی، امکان تغییر و تحول بنیادی در ساختارهای حکومتی حاصل نگشت (نوشاد، ۱۳۹۰، ص ۱۵۵). پس از انقلاب در کشورهای عربی، جنبش‌های اسلامی تجدید حیات پیدا کردند و بیداری اسلامی که سابقاً نیز در این کشورها در مقابله با نظم موجود وجود داشت، روند احیای نوینی به خود گرفت. در این مقطع نیز به دلیل سیاست‌های قدرت‌های سلطه‌گر و فقدان رهبری کارآمد، بیداری اسلامی با موانع و چالش‌های فزاینده‌ای مواجه شد.

در شرایط فعلی لازم است با توجه به فرصت‌ها و ضعف‌های بیان شده، راه‌های نوین و متنوعی از بیداری اسلامی در ابعاد سیاسی، رسانه‌ای، فرهنگی و اجتماعی شناسایی و به

کار گرفته شود.

۳-۳-۲. شناسایی دقیق‌تر گروه‌های اسلامی و انقلابی

با سقوط دولت‌های استبدادی در کشورهای منطقه از جمله مصر، تونس، لیبی و ظهور دولت‌های جدید، شاهد پیدایش گروه‌های متنوع اسلامی و انقلابی هستیم. هر یک از این گروه‌ها سیاست‌ها و راهبردهای خاص خود را برای پیشبرد اهداف و منافع خود دارند و در عمل در برخی از این کشورها حرکت‌های افراطی باعث انحراف بیداری اسلامی شده است. شناسایی دیدگاه‌ها، مواضع و رفتارهای گروه‌های اسلامی و انقلابی، می‌تواند گام مهمی در حمایت از جریان بیداری اسلامی اصیل و جلوگیری از انحراف و موانع پیش‌روی آن باشد.

۳-۳-۳. هماهنگی بیشتر میان نهادهای متصدی سیاست خارجی

شرایط جدید بیداری اسلامی می‌طلبد که دیپلماسی ایران با هماهنگی بیشتر و به صورت فعال و مؤثر در میان دستگاه‌هایی که با اهداف سیاست خارجی ایران در منطقه مرتبط هستند، عمل نماید؛ یعنی با رصد دقیق تحولات منطقه، فراتر و جلوتر از آن حرکت کند و از فرصت‌های پیش‌رو بهره‌گیرد.

اتخاذ دیپلماسی کنشی در مقابل دیپلماسی واکنشی نیازمند هماهنگی میان اجزاء مختلف دستگاه سیاست خارجی از یک سو و سایر نهادهایی است که به گونه‌ای روند تحولات منطقه را تحت تأثیر قرار می‌دهند. هر قدر این هماهنگی بیشتر باشد، بهتر می‌توان ضعف‌های موجود را کاهش داد و از فرصت‌های ایجاد شده برای تقویت روند بیداری اسلامی استفاده کرد. ضعف در فرهنگ همکاری و بی‌توجهی به ضرورت هماهنگی و کار دسته‌جمعی، موجب افت کارایی دولت در مواجهه با نهادها و مجامع فراملی می‌شود (مصفا و امین منصور، ۱۳۹۲، ص ۳۱). در این فضا، ایران می‌تواند از طریق بسیج امکانات و هماهنگی در سیاست‌های خود، بیش از گذشته از سازمان‌های منطقه‌ای، از جمله کنفرانس اسلامی، برای تقویت روند بیداری اسلامی استفاده کند.

۳-۳-۴. تقویت روابط با کشورهای منطقه

با توجه به سقوط دولت‌های پادشاهی و فضای پسابرجام، این امکان فراهم شده است تا ایران روابط خود با کشورهای منطقه را افزایش دهد. در عین حال، رقابت‌های درون منطقه‌ای و مداخلات خارجی موانع متعددی را برای ایران ایجاد کرده است. ایران



باید از فرصت‌های موجود در قالب تلاش برای تغییر وضع موجود، زمینه تقویت روابط دوجانبه‌اش با هریک از کشورهای منطقه را فراهم سازد و موانع گسترش روابط را کاهش دهد.

۳-۴. راهبرد دفاعی یا بقا

در این راهبرد تلاش می‌شود تا از طریق شناخت نقاط ضعف و تهدیدها، راهبردهای ممکن برای بقا بیان شود. هدف این راهبرد حفظ خود در شرایط سخت و بحرانی است.

۳-۴-۱. تقویت وحدت و انسجام داخلی

وحدت و انسجام ملی از سرمایه‌های مهم اجتماعی کشور است. بدون شک اگر در نهادهای اجتماعی کشور، تولید سرمایه اجتماعی بر اساس ظرفیت‌های فرهنگی کشور صورت گیرد و بتوان مردم و ساختارهای اجتماعی را بر محور شاخصه‌های سرمایه اجتماعی ساماندهی کرد، دستیابی به بسیاری از اشکال اداره جامعه در ابعاد سیاسی، امنیتی و اجتماعی، در زمان مناسب و با نیروی انسانی کمتر، امکان‌پذیر خواهد بود. چنین شرایطی هزینه‌های اداره جامعه و مدیریت سیاسی را کاهش می‌دهد و می‌توان هزینه‌های صرفه‌جویی شده را در امور هزینه کرد که قابلیت دولت را در عرصه‌های مختلف افزایش دهد (قریبانی شیخ‌نشین، ۱۳۹۰، ص ۶-۲۷)

با توجه به بافت فرهنگی - قومیتی ایران و با توجه به ایران‌هراسی و شیعه‌هراسی در منطقه، هرچه بین نخبگان سیاسی، اقتصادی و فرهنگی کشور انسجام و همدلی بیشتر باشد، کشور بهتر می‌تواند خود را در برابر آسیب‌ها و ضعف‌ها ایمن سازد و تهدیدهای برون‌مرزی را کاهش و جنبه‌های دفاعی خود را در مقابل سیاست‌های قدرت‌های بیگانه افزایش دهد. هرچه انسجام کشور بیشتر باشد، قدرت کشور بیشتر خواهد شد؛ در نتیجه نفوذ و اقتدار کشور نیز در منطقه افزایش خواهد یافت.

۳-۴-۲. تقویت امنیت منطقه‌ای

در شرایط جدید منطقه، امنیت منطقه‌ای ایران با چالش مواجه شده است. اعلان هلال شیعی از سوی پادشاه اردن، حضور مستقیم امریکا در منطقه، به‌ویژه پس از یازده سپتامبر، گسترش تروریسم و سلفی‌گری تکفیری و بروز بحران در سوریه و یمن، تهدیدهای امنیتی منطقه را افزایش داده است (دل‌اورپور، ۱۳۸۸، ص ۲۶). اگر این تهدیدها مهار نشود، می‌تواند امنیت ملی ایران را نیز با مخاطره مواجه کند. در این شرایط لازم است ایران



برای حفظ بقا و افزایش ظرفیت‌های دفاعی خود، در جهت تقویت ساختار امنیت منطقه‌ای تلاش کند. ایران همواره بر ساختار امنیت منطقه‌ای، در قالب ایجاد اتحادیه امنیتی منطقه‌ای، تأکید کرده است؛ اما لازم است بیش از پیش سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی همه جانبه را در دستور کار خود قرار دهد (بیات، ۱۳۹۰، ص ۱۶۱-۱۷۸).

۳-۴-۳. تقویت روند تنش‌زدایی و اعتمادسازی در سیاست خارجی

با توجه به بحران فزاینده منطقه و تصاویر منفی شکل‌گرفته از بیداری اسلامی و آموزه‌های انقلاب اسلامی ایران، به‌ویژه با پیچیدگی ساختار نوین منطقه‌ای، لازم است روند تنش‌زدایی و اعتمادسازی در سطح منطقه‌ای و جهانی افزایش یابد و از امنیتی شدن منطقه جلوگیری شود. یکی از راهکارهای مؤثر، استفاده از ظرفیت‌های سازمان‌های منطقه‌ای و جهانی است.

امروزه بر نقش و اهمیت سازمان‌های بین‌المللی افزوده شده است و کشورها تلاش می‌کنند تا اهداف خود را از طریق سازمان بین‌المللی محقق سازند (کریمی، ۱۳۸۵، ص ۱۲۵-۱۵۰)؛ از این رو بهره‌برداری حداکثری از ظرفیت‌ها و فرصت‌های سازمان‌های بین‌المللی، از جمله فرصت حضور و ایفای نقش در مجامع و سازمان‌های بین‌المللی برای حفظ ارزش‌ها، دفاع از منافع ملی و برقراری عدالت، ثبات و امنیت در منطقه و جهان، امری لازم است (مصفا، ۱۳۹۲، ص ۱۱).

۳-۴-۴. تقویت اقتصاد مقاومتی

با توجه به تهدیدهای فرامرزی و اقتصاد تک‌محصولی ایران، لازم است اقتصاد مقاومتی که اقتصاد دانش‌بنیان و تولیدمحور است (ابلاغ سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، ۱۳۹۲) بیش از پیش در راهبرد اقتصاد ملی، مورد توجه قرار گیرد؛ زیرا با اصلاح ساختار اقتصادی کشور، نه تنها توان اقتصادی کشور افزایش می‌یابد، بلکه قدرت دفاعی ایران نیز برای تأمین منافع کشور، به‌ویژه در شرایط بحرانی، ارتقا می‌یابد و ایران می‌تواند تهدیدها و زمینه‌های آسیب‌پذیری کشور را کاهش دهد و قدرت مانور خود را برای شکل‌دهی به ساختار نوین منطقه‌ای افزایش دهد.

نتیجه

با انقلاب در کشورهای عربی، موج بیداری اسلامی وارد مرحله جدیدی شد و فرصت‌های گسترده‌ای را برای ملل منطقه برای شکل‌دهی به نظم سیاسی در سطح ملی و منطقه‌ای فراهم آورد؛ اما تهدیدهای فراروی بیداری اسلامی مانع از حرکت شتابان نیروهای انقلابی به سمت تحقق بخشیدن به اهداف خود شد.

فرصت‌هایی مانند سقوط نظام‌های استبدادی، شرایط جدید منطقه‌ای و قوت‌های ایران می‌تواند بیداری اسلامی و انقلاب در کشورهای عربی را در رسیدن به اهداف واقعی خود کمک کند. دوران پساجام موقعیت و فرصت بیشتری را به ایران برای ایفای نقش در معادلات قدرت منطقه‌ای فراهم ساخته است. با حفظ فضای غیرامنیتی ایران در منطقه و تقویت روند اعتمادسازی میان کشورهای اصلی در منطقه، این امکان وجود دارد که سطح روابط ایران با کشورهای همسایه افزایش یابد و فضای ناامنی و بی‌ثباتی کاهش یابد.

باتوجه به فرصت‌ها، تهدیدها و همچنین قوت‌ها و ضعف‌های بیان شده، ایران می‌تواند راهبردهای چهارگانه توسعه یا پیشگامی، بازدارندگی یا تمرکز، بازنگری یا تنوع و راهبرد دفاعی یا بقا را برای تقویت روند بیداری اسلامی اتخاذ کند.

ایران اسلامی، با توجه به هریک از ترکیب‌های فرصت‌ها - تهدیدها و نقاط قوت و ضعف، می‌تواند از تمامی این راهبردها برای تقویت روند بیداری اسلامی و تأمین منافع ملی و جهت‌دهی به نظم نوین منطقه‌ای استفاده کند.

منابع

۱. اباذری، یوسف، سارا شریعتی و مهدی فرجی (۱۳۹۰)، «فراروایت تمدن یا فرایند تمدن‌ها؟ خوانشی از پروبلماتیک فرهنگ - تمدن»، نشریه تحقیقات فرهنگی، تابستان، دوره چهارم، شماره ۲.
۲. ابلاغ سیاست‌های کلی «اقتصاد مقاومتی» (۱۳۹۲)، منتشر شده در:
<http://farsi.khamenei.ir/news-content?id=۲۵۳۷۰>.
۳. احمدیان، حسن و محمد زارع (۱۳۹۰)، «استراتژی عربستان سعودی در برابر خیزش‌های جهان عرب»، فصلنامه ره‌نامه سیاست‌گذاری، دوره ۲، شماره ۲.
۴. ازغندی، علیرضا و جلیل روشندل (۱۳۷۴)، مسائل نظامی و استراتژیک معاصر، تهران: سمت.
۵. آقای، داود و حسن احمدیان (۱۳۸۹)، «روابط ج.ا.ا و عربستان سعودی، چالش‌های بنیادین و امکانات پیش رو»، فصلنامه سیاست، دانشگاه حقوق و علوم سیاسی، دوره ۴۰، شماره ۳.
۶. امضای ۱۷ سند و یادداشت تفاهم همکاری بین ایران و چین (۱۳۹۴)، ۳ بهمن ۱۳۹۴، در:
www.irna.ir.
۷. ای لانگ، دیوید (۱۳۸۸)، «بازتاب انقلاب اسلامی بر شبه جزیره عربستان و کشورهای خلیج»، کتاب انقلاب ایران و بازتاب جهانی آن، جان ال اسپوزیتو، ج ۳، انتشارات باز.
۸. باقری، سیامک (۱۳۸۶)، «تأثیر دانش‌های استراتژیک بر موقعیت جمهوری اسلامی ایران»، نشریه مریبان، سال هفتم، شماره ۲۶.
۹. بغدادی، حسن (۱۳۹۰)، «اصلاح ساختار گفتمان اسلامی»، همایش بین‌المللی بیداری اسلامی، بررسی تحولات اخیر کشورهای عربی - اسلامی، از شمال آفریقا تا خاورمیانه، بسترها، چالش‌ها، پیامدها، تهران.
۱۰. بیات، ناصر (۱۳۹۰)، «نقش ترکیه در تحولات خاورمیانه با تأکید بر تحولات سوریه»، فصلنامه ره‌نامه سیاست‌گذاری، سال دوم، شماره ۲.
۱۱. دلاورپور اقدم، مصطفی (۱۳۸۸)، «شیعه‌هراسی و جایگاه آن در دیپلماسی امنیتی ایالات متحده»، نگاه حوزه، شماره ۲۶۱.
۱۲. پیرس، جان، ریچارد کنت رابینسون (۱۳۸۰)، برنامه‌ریزی و مدیریت استراتژیک، مترجم:



- سهراب خلیلی شورینی، چ ۲، تهران: یادواره کتاب.
۱۳. حسینی عارف، سید علی رضا (۱۳۹۰)، *بهار عربی در پرتو بیداری اسلامی*، قم: سنابل.
۱۴. _____، (۱۳۹۱)، «تشیع در تونس»، *مجله گنجینه*، شماره ۱۸ و ۱۹.
۱۵. حسینی، مختار (۱۳۸۳)، «جنگ ایران و عراق: بررسی تأثیر جنگ بر استراتژی دفاعی - نظامی ایران»، *مجله نگین ایران*، دوره ۲، شماره ۸.
۱۶. دهقانی فیروز آبادی، سید جلال، مهدی فرازی (۱۳۹۱)، «بیداری اسلامی و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران»، *فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی*، سال نهم، بهار، شماره ۲۸.
۱۷. ذالفقاری، سید محمد (۱۳۹۳)، «هراس اخلاقی رهیافتی برای فهم شیعه‌هراسی»، *فصلنامه پژوهش‌های منطقه‌ای*، سال دوم، شماره ۱۱.
۱۸. زاهدی، شمس السادات (۱۳۹۳)، «جهانی شدن و توسعه پایدار»، *فصلنامه راهبردی جهانی شدن*، دوره دو، شماره ۳.
۱۹. ساوه درودی، مصطفی (۱۳۹۳)، «گروهک تروریستی داعش؛ برآیند تنازعات و ناامنی‌های منطقه‌ای»، *فصلنامه امنیت پژوهی*، سال سیزدهم، شماره ۴۵.
۲۰. شیخ حسینی، مختار (۱۳۹۳)، *جنبش انصارالله یمن*، قم: مجمع جهانی اهل بیت (علیهم السلام).
۲۱. شبرودی، مرتضی (۱۳۸۸)، «انقلاب اسلامی و بیداری اسلامی؛ تاثیرگذاری و نمونه‌ها»، *فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی*، سال پنجم، شماره ۱۶.
۲۲. طاهری، ابوالقاسم (۱۳۸۷)، «استراتژی ایالات متحده امریکا در زمینه انرژی»، *فصلنامه حقوق و سیاست*، شماره ۱۰.
۲۳. عابدینی، حسین (۱۳۹۰)، «همگرایی معنادار بازتاب رسانه‌ای قیام‌های منطقه‌ای با سیاست خارجی مالکان رسانه»، *همایش بین‌المللی بیداری اسلامی*، بررسی تحولات اخیر کشورهای عربی - اسلامی، از شمال آفریقا تا خاورمیانه، بسترها، چالش‌ها، پیامدها، تهران.
۲۴. عبدالستار، سید (۱۳۸۸)، *پیروزی حزب الله مشاهدات، اتفاقات و گفت‌وگوها*، ترجمه محمدرضا میرزاجان، تهران: نشر مؤسسه فرهنگی قدر ولایت.
۲۵. فرزندی، عباسعلی (۱۳۸۶)، «مبانی نظری صدور انقلاب از منظر امام خمینی (ره)»، *فصلنامه متین*، شماره ۳۶.



۲۶. قربانی شیخ نشین، ارسلان، کامران کرمی و هادی عباس‌زاده (۱۳۹۰)، «قابلیت‌های سرمایه اجتماعی در شکل‌دهی به قدرت نرم»، *مجله رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی*، شماره ۲۷.
۲۷. قنبرلو، عبدالله (۱۳۸۸)، «مفهوم و ماهیت قدرت منطقه‌ای»، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، شماره ۴۶.
۲۸. کریمی‌پور، یدالله (۱۳۹۰)، «بررسی زمینه‌های جابه‌جایی کلان جنگ‌های فراگیر در خاورمیانه»، *مجله تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی*، دوره ۱۱، شماره ۲۲.
۲۹. لطفی‌پور، محمدرضا، زهرا شاکری و فاطمه کبری بطا (۱۳۹۰)، «بررسی همگرایی اقتصادی میان ایران و کشورهای آمریکای لاتین»، *فصلنامه پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی*، سال اول، شماره ۳.
۳۰. «مردم‌سالاری دینی، گفتمان رهبر انقلاب اسلامی» (۱۳۸۸)، در:
<http://farsi.khamenei.ir/others-article?id=۹۲۳۴>
۳۱. مسعودی، هادی (۱۳۹۰)، «بررسی چپستی و علل خام‌فروشی در صنعت نفت و گاز»، تهران: معاونت علمی سازمان بسیج دانشجویی.
۳۲. مصفا، نسرين و جواد امین منصور (۱۳۹۲)، «نقش جمهوری اسلامی ایران در نهادهای منطقه‌ای و بین‌المللی»، *فصلنامه سازمان‌های بین‌المللی*، سال اول، شماره ۱.
۳۳. میرعلی، محمدعلی (۱۳۹۱)، *چالش سنت و مدرنیته در لبنان و سوریه*، قم: بوستان کتاب.
۳۴. نقیب‌زاده، احمد (۱۳۷۹)، «شیعه و منازعت سیاسی در خاورمیانه»، *مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی*، شماره ۴۷.
۳۵. قرآنی‌نوشاد، محمود (۱۳۹۰)، «علل و زمینه‌های استفاده از اسامی جعلی خلیج فارس»، کتاب *ماه تاریخ و جغرافیا*، فروردین، شماره ۱۵۵.